

## تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (س) در انقلاب اسلامی

حسینعلی قجری<sup>۱</sup>

**چکیده:** در این مقاله، تلاش شده تا با عنایت به اینکه انقلاب اسلامی اساساً بر اساس غالب نظریه‌ها، یک انقلاب فرهنگی و اندیشه‌ای و ماحصل مبارزات گفتمانی و هژمونیک شدن یک گفتمان در تقابل با گفتمانهای دیگر بوده است و با توجه به این مسأله مهم که تلاش امام خمینی برای گفتمان سازی و کسب اعتبار برای این گفتمان و تبدیل آن از اسطوره به پنداره یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی بوده است، با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان به این سؤال اصلی پاسخ دهد که: «چرا گفتمان سیاسی امام خمینی در میان گفتمانهای متعدد رایج در آستانه انقلاب توانست هژمونیک شود؟»

در پاسخ به این سؤال، نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه همراه با مفاهیمی از نورمن فرکلایف و روٹ وداک به عنوان چهارچوب نظری انتخاب گردیده است و با مبنای قرار دادن این نظریه، فرضیه این مقاله در پاسخ به سؤال فوق بدین شرح است: «گفتمان سیاسی امام خمینی به دلیل داشتن توان به کارگیری "رویه‌های طرد و برجسته سازی"، "ایفای نقش عاملان سیاسی"، "اعتبار" و "در دسترس بودن"، در آستانه انقلاب اسلامی در ایران هژمونیک شد.»

**کلیدواژه‌ها:** گفتمان، تحلیل گفتمان، رویه‌های طرد و برجسته‌سازی، عاملان سیاسی، اعتبار، دسترسی و هژمونی.

### ۱) طرح مسأله

تکوین گفتمان امام خمینی و هژمونیک شدن آن در میان رشد امواج اسلام‌گرایی در جهان اسلام (از جمله مصر، پاکستان، خاورمیانه، و...) یکی از مسائل مهمی است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و بعد از آن، ذهن اکثر اندیشمندان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول کرد. تکوین و سپس

e-mail: [h\\_ghajari@yahoo.com](mailto:h_ghajari@yahoo.com)

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۹ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۶ مورد تأیید قرار گرفت.

هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی در ایران با پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که در داخل و خارج داشت به عنوان یک مسأله اجتماعی، صاحب‌نظران و اندیشمندان را به تأمل و تفکر درباره چرایی و چگونگی تکوین و هژمونیک شدن آن وا داشته است. آنها در قالب نظریه‌های انقلاب و جنبشها، سعی در تبیین «چرایی» ظهور اسلام گرایی و بعضاً، گفتمان سیاسی امام خمینی داشته‌اند اما عنایت چندانی به «چرایی هژمونیک شدن» آن — به صورت نظام‌مند — ننموده‌اند. با توجه به خلأ موجود در خصوص مطالعه چرایی هژمونیک شدن گفتمان امام خمینی و نقش رهبری امام خمینی در زمینه گفتمان سازی و منازعات گفتمانی، به‌رغم وجود گفتمانهای دیگر ما نیازمند رویکردی مناسب برای بررسی این مسائل می‌باشیم. یکی از رویکردهایی که یکی دو دهه اخیر به دلیل داشتن ماهیت بین‌رشته‌ای و تردیدهای متعدد نسبت به رویکردهای موجود در مطالعه پدیده‌های اجتماعی، رشد گسترده‌ای داشته و در حوزه جامعه‌شناسی رسوخ روزافزونی پیدا کرده، ولی هنوز جایگاه مناسب خود را در کشور ما پیدا نکرده است، تحلیل گفتمان می‌باشد. تحلیل گفتمان که برآمده از انتقادات وارده به سایر رویکردهاست از توان خاصی برای توضیح شیوه گفتمان‌سازی، منازعات گفتمانی و چرایی هژمونیک شدن گفتمانهای مختلف برخوردار است.<sup>۱</sup> با توجه به اهمیت گفتمان امام خمینی و نقش ایشان در منازعات گفتمانی و هژمونیک شدن گفتمان ایشان در ایران به عنوان یک مسأله اجتماعی و سیاسی و ابهام در برخی جوانب چرایی هژمونیک شدن این گفتمان در میان سایر گفتمانهای موجود در عرصه سیاسی و اجتماعی در ایران و رشد روز افزون و توان تحلیل گفتمان برای بررسی این مسأله، مقاله حاضر در تلاش است تا با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان این مسأله را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد.

## ۲) سؤال اصلی، فرضیه، ضرورت و اهداف تحقیق

با توجه به آنچه در طرح مسأله ذکر شد، این مقاله در تلاش است تا به سؤال اصلی ذیل پاسخ دهد: «چرا گفتمان سیاسی امام خمینی در میان گفتمانهای متعدد رایج در آستانه انقلاب توانست در ایران هژمونیک شود؟»

۱. لازم است ذکر شود که اینجا منظور این نیست که تحلیل گفتمان جایگزینی برای سایر رویکردهاست و سعی دارد آنها را نفی کند، بلکه مقصود نویسنده این است که تحلیل گفتمان می‌تواند پدیده‌های اندیشه‌ای و فرهنگی را به طور عمیق‌تر مورد مطالعه قرار دهد و در برخی موارد می‌تواند مکملی برای سایر رویکردها باشد.

در پاسخ به سؤال اصلی فوق، فرضیه این مقاله عبارت است از: «گفتمان سیاسی امام خمینی به دلیل "ایفای نقش عاملان سیاسی"<sup>۱</sup>، داشتن توان به کارگیری "رویه های طرد و برجسته سازی"<sup>۲</sup>، "در دسترس بودن"<sup>۳</sup>، و "اعتبار"<sup>۴</sup> در آستانه انقلاب اسلامی در ایران هژمونیک شد».

در ضرورت و اهداف این تحقیق می توان گفت که مهم ترین دغدغه علوم اجتماعی و به طور خاص جامعه شناسی (سیاسی) بررسی و مطالعه پدیده های مختلف اجتماعی و سیاسی است. جامعه شناسی سیاسی سعی دارد به توصیف، تبیین، فهم و تفسیر پدیده های مختلف سیاسی - اجتماعی پردازد و در این بررسی با کمک گرفتن از دیدگاه های مختلف نظری از جمله پوزیتیویسم، تفسیرگرایی، مارکسیسم، اختیار عاقلانه و ... پرتویی به ابعاد مختلف این پدیده ها بتابد و برخی از ابعاد و جوانب آنها را روشن کند. لذا با توجه به اینکه تکوین و سپس هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی در ایران یکی از مسائل مهم برای جامعه شناسی و همچنین یک مسأله سیاسی - اجتماعی تأثیرگذار و مهم در عصر حاضر است که منطقه و جهان را متأثر نموده است و کاری جدی و اختصاصی آن هم از منظر و با کمک روش تحلیل گفتمان برای شناخت چگونگی تکوین و چرایی هژمونیک شدن این نوع سیاسی امام خمینی صورت پذیرفته، انجام این پژوهش جهت تحقق اهداف زیر ضروری به نظر می رسد:

- ارائه توصیفی دقیق، نظام مند و متفاوت از چرایی هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی در ایران در میان گفتمان موجود در ایران از منظر تحلیل گفتمان؛  
- بررسی عوامل سیاسی، رویه های طرد و برجسته سازی و در دسترسی و اعتبار گفتمان سیاسی امام خمینی در قیاس با سایر گفتمان های موجود در نظم گفتمان.

### ۳) تعریف مفاهیم کلیدی

برخی از مفاهیم مهم این مقاله، که تعریف آنها در آغاز مقاله، ضروری به نظر می رسد، عبارتند از: **گفتمان**: براساس نظریه لاکلاو و موفه در این مقاله گفتمان نظام معنایی است هویت بخش و معنادار که امکان فهم و صحبت کردن درباره جهان یا بخشی از جهان و ابژه ها و سوژه ها را

- 
1. political subjects
  2. exclusive and foregrounding
  3. availability
  4. validity

امکان‌پذیر و در واقع آنها را می‌سازد و در برگیرنده عناصر زبانی و فرازبانی است (Laclau 1993؛ Norval 2000؛ Jorgensen 2002؛ فوکو ۱۳۷۸).

**گفتمان سیاسی امام خمینی:** این گفتمان عبارت است از گفتمانی که با انتشار کتاب *ولایت فقیه* تکوین و سپس با سخنان امام خمینی تا قبل از انقلاب اسلامی گسترش می‌یابد و در آستانه انقلاب هژمونیک می‌شود.

**اسطوره<sup>۱</sup>:** عبارت است از آن چیزی که یک گفتمان نفی، و وضع مطلوبی است که پیشنهاد می‌کند.

**پنداره<sup>۲</sup>:** اسطوره‌ای است که به خواست همگانی تبدیل شده است.

**موضوعات رتوریک<sup>۳</sup>:** موضوع رتوریک عبارت است از استراتژیها و تکنیکهای زبانی‌ای که له یا علیه یک گفتمان یا موضوع برای معتبرسازی یا از اعتبار انداختن آن استفاده می‌شود.

#### ۴) چهارچوب نظری

در این مقاله، از نظریه تحلیل گفتمان<sup>۴</sup> لاکلاو و موفه به عنوان چهارچوب نظری استفاده می‌شود. جهت تکمیل و غنی‌تر و عملی نمودن نظریه لاکلاو و موفه از مفهوم نظم گفتمان نورمن فرکلاف و ابزار زبانی طرد و برجسته‌سازی روث و داک استفاده شده است.

لاکلاو و موفه دارای دو نظریه معنا و اجتماعی هستند. نظریه معنای آنها، برای توصیف گفتمان و نظریه اجتماعشان برای بررسی چگونگی تکوین و چرایی هژمونیک شدن گفتمان مناسب است. در این مقاله، از نظریه اجتماع آنها، بخشی که مناسب برای چرایی هژمونیک شدن گفتمان است، استفاده خواهد شد.

نظریه مقاله حاضر، در خصوص چرایی هژمونیک شدن به‌طور خیلی خلاصه، این است که گفتمان سیاسی امام خمینی پس از اینکه تکوین یافت، توسط چهار عنصر مهم که بیانگر مبارزه سیاسی برای معنادهی و هویت بخشی هستند اسطوره‌های خود را به پنداره تبدیل نمود و در ائتلاف با سایر گفتمانها هژمونیک شد. این چهار عامل هژمونی‌ساز همان‌گونه که تبیین‌کننده چرایی

1. myth  
2. imaginary  
3. topoi

۴. باید این نکته را مد نظر قرار داد که در تحلیل گفتمان نظریه و روش در هم تنیده شده‌اند.

هژمونیک شدن سیاسی امام خمینی می‌باشند قابلیت تبیین چرایی عدم هژمونیک شدن سایر گفتمانهای موجود در نظم گفتمان در دوره مورد نظر در ایران را به‌عنوان آن روی سکه هژمونیک شدن سیاسی امام خمینی نیز دارا هستند. این چهار عنصر هژمونیک ساز عبارتند از: عاملان سیاسی، طرد و برجسته سازی، دسترسی و اعتبار (Laclau 1985).

**مفهوم اخذ شده از نظریه گفتمان نورمن فرکلاف:** مفهوم مهمی که از نورمن فرکلاف، به تحلیل گفتمان به شیوه لاکلاو و موفه، کمک می‌کند «نظم گفتمان»<sup>۱</sup> است. نظم گفتمان صحن مشترک همه گفتمانهای مختلف است و گفتمانها، الگوهای معنی در درون نظم گفتمانها هستند. غیرت‌سازی و هژمونی در نظم گفتمانی واقع می‌شوند که گفتمانها برای معنا دادن به دالهای شناور با همدیگر رقابت می‌کنند (Jorgensen 2002).

**مفاهیم اخذ شده از نظریه روث وداک:** لاکلاو و موفه به‌طور ضمنی اشاراتی به طرد و برجسته‌سازی می‌کنند ولی ابزار عملی‌ای برای آن ارائه نمی‌دهند. یکی از نظریه‌پردازانی که به خوبی ابزار عملی بررسی شیوه‌های زبانی طرد و برجسته‌سازی را ارائه می‌دهد خانم روث وداک است.<sup>۲</sup> به‌نظر وداک، اشکال مختلف طرد اجتماعی و تبعیض را به وسیله موضوعات رتوریک می‌توان مورد بحث قرار داد.

روث وداک ۱۵ موضوع رتوریک را برای طرد و برجسته‌سازی معرفی می‌کند که عبارتند از:<sup>۴</sup> (۱) مزیت و سودمندی؛ (۲) عدم سودمندی، ضرر؛ (۳) تعریف، تفسیر - اسم؛ (۴) خطر و تهدید؛ (۵) نوع دوستی؛ (۶) عدالت؛ (۷) مسئولیت و پاسخگویی؛ (۸) فشار و سنگینی؛ (۹) امکانات مالی؛ (۱۰) واقعیت؛ (۱۱) اعداد و شمارش؛ (۱۲) قانون و حق؛ (۱۳) تاریخ؛ (۱۴) فرهنگ؛ (۱۵) سوء استفاده.

1. order of discourse

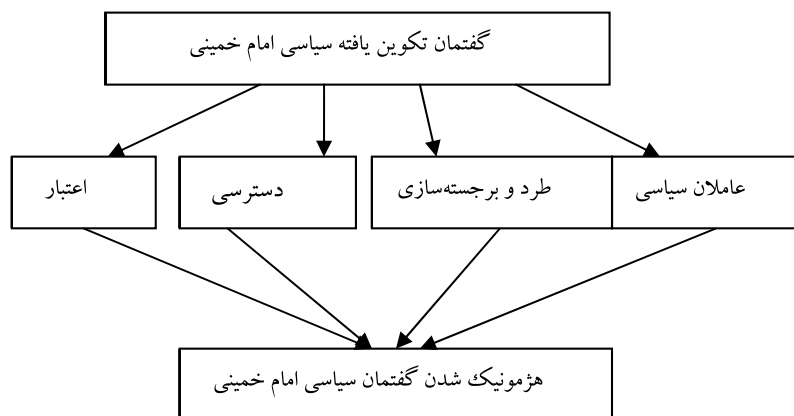
۲. خانم روث وداک (Ruth Wodak) در چهارچوب زبان‌شناسی گفتمانی به مطالعه موضوعات اجتماعی متفاوتی از بررسی شرایط سازمانی در محیط بیمارستان، دادگاه و مدارس گرفته تا جنسیت‌گرایی، نژادپرستی و ضد سامی‌گری در اروپا پرداخته است. تحقیقات او منتهی به شکل‌گیری رویکردی شده است که خود او از آن تحت عنوان رویکرد گفتمانی - تاریخی یاد می‌کند. این رویکرد در تلاش است تا به‌طور نظام‌مند همه اطلاعات پس‌زمینه‌ای در دسترس را برای تحلیل و تعبیر لایه‌های گوناگون یک متن گفتاری یا نوشتاری به هم گره بزند. تمرکز وداک بر تمامی بافتهای تاریخی گفتمان در فرایند تبیین و تعبیر، رویکرد او را از رویکردهای دیگر تحلیل انتقادی گفتمان متمایز می‌کند.

3. topoi

۴. برای توضیح بیشتر (ر.ک. به: Wodak 2001).

باتوجه به آنچه ذکر گردید، می‌توان چهارچوب نظریه این مقاله در بررسی چرایی هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی را در مدل زیر تلخیص نمود:

#### مدل چرایی هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی



#### ۵) یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت، یافته‌های این مقاله، در راستای فرضیه و بر اساس چهارچوب نظری و تحلیل گفتمان، در ذیل عناوین زیر سامان داده می‌شود:

##### ۵-۱) شناسایی گفتمانهای موجود در نظم گفتمان

علاوه بر توجه به معنای گفتمان و توجه به گفتمانهای عمده که در شناسایی گفتمانها ضروری است، مسأله مهم دیگر در گونه‌شناسی گفتمانها معیار و ملاک نام‌گذاری است. از میان معیارهای متفاوت، با توجه به اینکه هدف این مقاله، شناسایی گفتمانهای عمده سیاسی است بهترین ملاک برای نامگذاری، حکومت مطلوب یا ممکن است که هر گفتمان ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، مناسب‌ترین معیار و ملاک برای نامگذاری گفتمانها برای این مقاله «اسطوره سیاسی» ارائه شده توسط گفتمانهاست.

با در نظر گرفتن نکات ضروری و بر اساس اسطوره سیاسی، در زمان تکوین تا هژمونیک شدن سیاسی امام خمینی در ایران می‌توان گفتمانهای عمده و برجسته زیر که بخش وسیعی از

جامعه را تحت پوشش قرار داده شناسایی نمود: گفتمان سلطنت استبدادی، سوسیالیسم، سوسیالیسم اسلامی، دموکراسی هدایت شده (اسلامی)، سلطنت مشروطه، سوسیالیسم اسلامی<sup>۱</sup>.

## ۵-۲) چرایی هژمونیک شدن سیاسی امام خمینی در ایران

بر اساس چهارچوب نظری این مقاله، گفتمان سیاسی امام خمینی، پس از اینکه تکوین یافت، توسط چهار عنصر مهم که بیانگر مبارزه سیاسی برای معنادهی و هویت بخشی هستند، توانست اسطوره‌های خود را به پنداره تبدیل نماید و در ائتلاف با سایر گفتمانها هژمونیک شود. این چهار عنصر هژمونیک‌ساز عبارتند از:

### الف) عاملان سیاسی

عامل سیاسی، کنش‌گری فردی یا اجتماعی است که در موقعیت از جاکنندگی گفتمان هژمونیک و مسلط دست به عمل و کنش می‌زند و کنشها و اعمال او در تغییرات گفتمانی تأثیرگذار است. در هژمونیک شدن سیاسی امام خمینی، عاملان و مبارزان سیاسی، دارای نقش مهم و بارزی بودند که سعی می‌شود این عاملان و نقش آنها بر اساس چهارچوب نظری و روشی در پاسخ به سؤالات زیر نشان داده‌شود:

- عامل یا عاملان سیاسی برجسته گفتمان سیاسی امام خمینی چه کسانی هستند؟ نقش آنها چه بود و دست به چه اقدامات و فعالیت‌هایی زدند؟ مهم‌ترین نقش آنها چه بود و دست به چه اقدامات و فعالیت‌هایی زدند؟ عوامل سیاسی این گفتمان، به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱) **امام خمینی:** به عنوان رهبر بلامنازع این گفتمان خالق این گفتمان و ناقل آن نخست به روحانیت و بعد به بطن جامعه و رهبر بلامنازع این گفتمان بود که در فرایند طرد و برجسته سازی و در دسترس قرار دادن این گفتمان و کسب اعتبار برای آن نقش مهمی را ایفا نمود.

۲) **روحانیون:** در آغاز حرکت امام، صرفاً دو گروه از روحانیون از امام حمایت می‌کردند: نخست، گروهی که ساواک آنها را افراطی قلمداد می‌کرد و دوم، گروهی که پس از سال ۱۳۴۴ نقطه ثقل فعالیتشان را روی تشریح مبانی فکری اسلام متمرکز کرده و به کارهای فرهنگی می‌پرداختند (جعفریان ۱۳۸۳: ۲۵-۱۷). اما، در آستانه انقلاب بخش اعظم روحانیون حتی آن

۱. برای مطالعه بیشتر (ر.ک. به: قجری ۱۳۸۷).

گروههایی را که یرواند آبراهامیان، روحانیون محافظه کار و غیرسیاسی می‌نامد از امام و گفتمان او حمایت کردند و عملاً جزء عوامل سیاسی این گفتمان شدند (آبراهامیان ۱۳۷۸: ۵۸۵ - ۵۸۳). آنان با در دست داشتن شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی مستقل و تقریباً مناسب تری نسبت به سایر گروهها، عملاً با تبلیغ گفتمان سیاسی امام خمینی و بازنمایی عناصر آن در بین توده مردم، توسط وعظ و خطابه، اعلامیه، کتاب و .... نخست، نقش بسیار مهمی در، در دسترس قرار دادن گفتمان سیاسی امام خمینی و سپس برجسته‌سازی عناصر و اسطوره این گفتمان و طرد و حاشیه‌رانی عناصر و اسطوره گفتمانهای دیگر داشته‌اند.

**۳) جریانهای سیاسی - مذهبی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰:** از مهم‌ترین عوامل سیاسی دیگر این گفتمان می‌توان به جریانهای مذهبی - سیاسی فعال دهه چهل تا آغاز انقلاب، از جمله هیأت مؤتلفه یاد کرد. علاوه بر هیأت مؤتلفه به فعالان مذهبی - سیاسی متأخرتری از جمله، گروههای هفتگانه<sup>۱</sup>، گروه ابوذر، گروه مهدیون، گروه فریاد خلق، گروه مجاهدین اسلام، سازمان فجر اسلام، تشکیلات محمدمنتظری در دمشق و تشکلهای محدود، محلی و بی‌نام به عنوان عوامل سیاسی این گفتمان می‌توان اشاره کرد (جعفریان ۱۳۸۳: فصل چهارم و پنجم). این گروهها و جریانهای سیاسی و مذهبی نیز با ابزار غیرزبانی از جمله: اعتصابات، ترورها، ... و ابزار زبانی از جمله صدور اعلامیه، سخنرانی، پخش اعلامیه‌های امام خمینی، توزیع متون نوشتاری و گفتاری ایشان، نقش مهمی در، در دسترس قرار دادن گفتمان سیاسی امام خمینی، طرد گفتمانهای دیگر بالأخص گفتمان سلطنت استبدادی، برجسته‌سازی گفتمان سیاسی امام خمینی و سپس کسب اعتبار برای آن بازی نموده‌اند (جعفریان ۱۳۸۳؛ آبراهامیان ۱۳۷۸؛ فوران ۱۳۷۷).

**۴) بخشی از روشنفکران مذهبی و دانشجویان:** یکی دیگر از عوامل سیاسی این گفتمان که اغلب در گروههای سیاسی - مذهبی عضویت داشتند، بخشی از روشنفکران اسلامی و دانشجویان دانشگاهها بوده‌اند.

این روشنفکران و دانشجویان نیز با توزیع متون گفتاری و نوشتاری امام، ایراد سخنرانی و انتقال دیدگاه امام در بین مردم نقش مهمی در دسترس قرار دادن این گفتمان و سپس طرد گفتمانهای

۱. این گروهها که به طور معمول از دل انجمنهای اسلامی، جلسات قرآن یا بچه‌های مسجد پدید آمدند، عبارتند از: امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین که پس از انقلاب اسلامی، به صورت یک گروه واحد تحت عنوان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درآمدند.



دیگر و برجسته‌سازی گفتمان سیاسی امام خمینی و اعتبار و هژمونیک‌شدن آن ایفا نمودند (جعفریان ۱۳۸۳؛ آبراهامیان ۱۳۷۸؛ فوران ۱۳۷۷).

انسجام عاملان سیاسی نسبت به سایر گفتمانها چگونه بود؟ به دلیل رهبری بلامنازع امام خمینی و تبعیت مطلق عاملان سیاسی این گفتمان از ایشان و همچنین وجود سلسله مراتب موجود در حوزه، عاملان این گفتمان بر حول امام خمینی گرد آمده بودند و ایشان به عنوان نقطه ثقلی، همه این عاملان از طیفها و گروهها و قشرهای مختلف را به همدیگر مرتبط می‌نمودند. لذا انسجام در بین عاملان این گفتمان نسبت به گفتمانهای دیگر از جمله گفتمان سوسیالیسم چه اسلامی و چه غیراسلامی که دائم در بین آنها اختلاف ایجاد می‌شد، گفتمان سلطنت مشروطه که دچار انشعابات متعدد گردید و گفتمان دموکراسی هدایت شده که رهبری آن در سال ۱۳۵۶ بدرود حیات گفت و گفتمان سلطنت استبدادی که دچار از جا کنده‌گی گردید بسیار بالاتر بود.

گستره و تعداد عاملان سیاسی و نسبت آنها به سایر گفتمانها چگونه بود؟ گستره و تعداد عاملان سیاسی گفتمان سیاسی امام خمینی از سایر گفتمانهای موجود در نظم گفتمان بسیار بالاتر بود و در واقع هیچ کدام از گفتمانهای موجود دارای این میزان عامل سیاسی (روحانیون با یک شبکه گسترده و تعداد زیاد در سراسر کشور، تعداد زیاد گروهها و جریانهای سیاسی، روشنفکران و دانشجویان طرفدار) نبوده‌است (فوران ۱۳۷۷؛ آبراهامیان ۱۳۷۸). به عنوان نمونه، در آغاز انقلاب ایران بیش از یک‌صد هزار روحانی و واعظ و پانزده هزار طلبه علوم دینی وجود داشت که در سراسر کشور و خارج از ایران پراکنده بودند و بی شک اکثریت قاطع آنها جزء عوامل این گفتمان بودند (Keddie 1981: 27-30). در مقابل گفتمان سیاسی امام خمینی سایر گفتمانها از جمله سوسیالیسم چه اسلامی و چه غیراسلامی سلطنت مشروطه و گفتمان دموکراسی هدایت شده دارای تعداد عواملی سیاسی اندکی بودند و غالباً هم در شهرهای بزرگ و طبقات خاصی از جامعه متمرکز بودند که در واقع همان اعضای حزبی یا گروهی (به جز دموکراسی هدایت شده که صاحب حزبی نبود) بودند و گاهی شمار آنها به بیش از چند هزار نفر هم نمی‌رسد و همین افراد هم اغلب کم کم رو به کاهش می‌گذاشتند و بعضاً جذب گفتمان سیاسی امام خمینی می‌شدند.<sup>۱</sup>

۱. آبراهامیان آمار نسبتاً دقیقی از عوامل سیاسی این گفتمانها در کتاب *ایران بین دو انقلاب* ارائه می‌دهد. جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به فصل ششم و دهم این کتاب.

**ب) طرد و برجسته‌سازی**

طرد و برجسته‌سازی، عبارت از شیوه‌ها و ترفندهایی است که یک گفتمان توسط آنها نقاط قوتش را برجسته و نقاط ضعفش را کوچک جلوه می‌دهد و بالعکس نقاط قوت گفتمان و گفتمانهای دیگر را کوچک و نقاط ضعفشان را برجسته می‌نماید. طرد و برجسته‌سازی به دو شیوه زبانی و غیر زبانی صورت می‌گیرد.

گفتمان سیاسی امام خمینی، با استفاده از ابزار زبانی طرد و برجسته‌سازی همانند تبلیغات و رسانه‌ها، استفاده از موضوعات رتوریکي مختلف - که در نظریه روث وداک ذکر آنها رفت - و ابزار غیر زبانی همانند اعتراضات و اعتصابات و غیره سعی در برجسته‌سازی خود و طرد سایر گفتمانها بالأخص گفتمان مسلط داشت. لذا، بر اساس چهارچوب نظری و روشی سعی می‌شود عمل طرد و برجسته‌سازی گفتمان سیاسی امام خمینی، توسط پاسخ به سؤالات زیر نشان داده شود:

گفتمان سیاسی امام خمینی از چه ابزار زبانی (زبان شناختی) و استراتژیهای گفتمانی یا به طور خاص تر موضوعات رتوریکي برای طرد و برجسته‌سازی استفاده کرد؟

گفتمان سیاسی امام خمینی گفتمانی است که اساساً معتقد به مبارزه زبانی یا، به عبارت دیگر، فرهنگی بود و لذا بیش از سایر گفتمانها از ابزار زبانی از جمله تبلیغات و رسانه‌های مختلف برای برجسته‌سازی خود و طرد گفتمانهای رقیب جهت دستیابی به هژمونی استفاده کرد. این گفتمان در متون متعدد گفتاری و نوشتاری ای که برای طرد و برجسته‌سازی منتشر کرد از ابزار زبان شناختی از جمله، استراتژیهای زبانی یا موضوعات رتوریکي متعددی استفاده نمود که استفاده از این موضوعات رتوریکي در قدرت این گفتمان برای طرد و برجسته‌سازی و نهایتاً هژمونیک شدن آن به شدت تأثیرگذار بوده است. اهم این موضوعات رتوریکي، عبارتند از:

۱) **مزیت و سودمندی:** در متون اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی به کرات شاهد هستیم که از مزیت و سودمندی عناصر این گفتمان از جمله اسطوره آن، یعنی حکومت اسلامی، با استناد به تاریخ و ذکر شواهد نقلی و عقلی سخن به میان می‌آید و در واقع برقراری حکومت اسلامی و حذف نظام سلطنت استبدادی و دوری از سایر گفتمانها به عنوان سود همه و کلیت جامعه و حتی جهان قلمداد می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۵۹، ۴۱۸-۴۱۷).

۲) **عدم سودمندی و ضرر:** یکی دیگر از موضوعات رتوریکي و زبان شناختی ای که به میزان زیادی در متون گفتمان سیاسی امام خمینی قابل مشاهده است، برجسته‌سازی ضرر و زیان

ناشی از سایر گفتمانها و به طور خاص گفتمان سلطنت استبدادی، مشروطه و سوسیالیسم برای مردم و جامعه و ذکر معایب و ایرادات آنهاست. در کتابهای *ولایت فقیه و صحیفه امام* به کرات ضرر و زیانهای اسطوره گفتمانهای دیگر برجسته می شود و با عنوان غیر مردمی، غیراسلامی، غیرانسانی و نامناسب برای جامعه قلمداد می شود. به طور خاص، امام در اکثر سخنرانیها و مصاحبه های خود به ضررهای حکومت سلطنتی، اشاره و آنها را برجسته می کند و با توجه به همین ضررهای عظیم و جبران ناپذیر خواهان عوض شدن این نظام و جایگزینی نظام اسلامی، که نظامی سودمند برای همه است، می شود (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۲؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۵۷).

**۳) تعریف، تفسیر - اسم:** متون اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی مملو از کاربرد این ابزار زبان شناختی برای برجسته سازی خود و طرد گفتمانهای دیگر است. این گفتمان، عوامل و عناصر خود را با انتساب و اسناد صفات خوب و مشابه دانستن آنها با افراد و کنشها و رویدادهای مثبت، از لحاظ جامعه، مثل: امام حسین<sup>(ع)</sup>، حضرت علی<sup>(ع)</sup>، حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، تاسوعا، عاشورا، حکومت پیامبر<sup>(ص)</sup>، حکومت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و... سعی دارد برجسته سازد و به مردم بفهماند که این عوامل و عناصر و رویدادها و کنشهای موجود و فعلی گفتمان سیاسی امام خمینی نیز صفات: امام حسین<sup>(ع)</sup>، حضرت علی<sup>(ع)</sup>، حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>، تاسوعا، عاشورا، حکومت پیامبر<sup>(ص)</sup>، حکومت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و... را حمل می کنند. امام خمینی در این راستا، با نام دهی و اسناد صفات خاص به روحانیون سعی دارد آنها را به عنوان عوامل اصلی این گفتمان برجسته سازد. به عنوان نمونه، در گفتمان او روحانیون و به طور خاص تر فرمانروا (امام خمینی ۱۳۷۳: ۸۰)، مرجع امور (امام خمینی ۱۳۷۳: ۸۰)، دارای منصب های محفوظ (امام خمینی ۱۳۷۳: ۸۳)، وارثان انبیا (امام خمینی ۱۳۷۳: ۸۷)، دارای شکوه در جامعه (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۰۸)، حاکمان مردم (امام خمینی ۱۳۷۳: ۹۴) و دارندگان مقام پیامبران بنی اسرائیل (امام خمینی ۱۳۷۳: ۹۳) معرفی می شوند و سعی می گردد صفات خوب را به آنان اسناد دهد و ایشان را از صفات بد مبرا کند. ولی در مقابل، این گفتمان، نامها و صفتهای منفی از جمله آخوند درباری، خونخوار، وابسته، ظالم، مرتجع، غیرقانونی، غیراسلامی، فرعون، یزید، شمر، و... را به عوامل، کنشها و عناصر گفتمانهای دیگر، اسناد می دهد.

**۴) خطر و تهدید:** این گفتمان از این موضوع رتوریک و ابزار زبان شناختی نیز به کرات استفاده می کند و سایر گفتمانهای موجود و به طور خاص گفتمان سلطنت را به عنوان خطر و تهدیدی بسیار بزرگ برای اسلام و جامعه و آینده ملت معرفی می نماید که باید سعی کرد جلوی

این خطر را گرفت. این گفتمان به کرات گفتمانهای دیگر از جمله گفتمان سوسیالیسم و حتی اسلام سنتی را خطری عظیم برای اسلام و جامعه معرفی می‌کند و به کرات داد سخن در می‌دهد که «اسلام در خطر» است و به عنوان یک نتیجه منطقی در تلاش است تا با طرد آن گفتمانها زمینه را برای برجسته‌سازی و نهایتاً هژمونیک‌سازی خود فراهم نماید (امام خمینی ۱۳۷۳: ۴؛ ۱۳۸۵ ج ۶: ۱).

**(۵) نوع دوستی:** این گفتمان برای برجسته‌سازی خود و طرد سایر گفتمانها از این ابزار رتوریک و استراتژی گفتمانی نیز سود می‌جوید. این گفتمان به صراحت اسطوره خود را مطابق با اسلام اصیل، فطرت انسان و هدفش را خدمت به جامعه به خاطر دوست داشتن افراد جامعه و رفع مشکلات و مصائب جامعه معرفی می‌کند. امام حکومت اسلامی را حکومتی می‌داند که در خدمت رشد و تعالی مردم است و در آن مصائب و مشکلات و آلام کنونی وجود نخواهد داشت (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۷، ۳۰). ایشان همچنین با بیان اینکه سایر حکومتها نوع دوست، نیستند و بر مردم ظلم می‌کنند، لزوم نجات مردم مظلوم و محروم را دلیلی برای برقراری حکومت اسلامی می‌داند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۲۷، ۲۹؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۶۴).

**(۶) عدالت:** با جستجو در متون گفتمان سیاسی امام خمینی به وفور مشاهده خواهیم کرد که این گفتمان داد از بی‌عدالتی در جامعه موجود می‌زند و عدالت را به عنوان اصل و اساس اسطوره خود معرفی می‌کند و مدعی می‌شود حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر عدل و عدالت و حاکم آن حاکمی عادل و عالم است که هیچ حکومت دیگری در جهان دارای چنین خصیصه‌ای نیست (امام خمینی ۱۳۷۳: ۳۷، ۴۴؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۱).

**(۷) مسئولیت و پاسخگویی:** موضوع رتوریک بعدی، مسئولیت و پاسخگویی است. گفتمان سیاسی امام خمینی از این ابزار رتوریک و استراتژی گفتمانی بیشتر برای طرد گفتمان سلطنت استبدادی و گاهی مشروطه و سوسیالیسم استفاده می‌کند. در متون اصلی این گفتمان اغلب شاهد هستیم که به عملکردهای این گفتمانها و به‌طور خاص به مشکلات و مصائب مردم در جامعه در عصر مورد نظر استناد می‌شود و سلطنت به عنوان مسئول این مصائب و مشکلات معرفی می‌شود که باید در صدد حل این مصائب و مشکلات برآید ولی از آنجایی که توان چنین کاری را ندارد و تنها انجام چنین کاری از عهده حکومت اسلامی برمی‌آید حکومت اسلامی باید جایگزین آن شود. در همین راستا، امام خمینی به کرات شاه و سلطنت را مسئول تمام مصائب و مشکلات می‌داند و خواهان برچیده شدن نظام سلطنتی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۷۵ - ۳۷۴).

۸) موضوع رتوریک فشار آوردن و سنگینی: این موضوع رتوریک نیز برای طرد گفتمان سلطنت استبدادی به کرات در متون اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی مورد استفاده قرار می‌گیرد و امام خمینی تحمیل قوانین بیگانه و غیراسلامی، شاه و سلطنت را عامل اصلی تمام بدبختیها و مشکلات معرفی می‌کند و به طور منطقی نتیجه می‌گیرد برای رفع تمام این فشارها و بدبختیها عامل آن که شاه و سلطنت است باید حذف شود. لذا باید برای حذف و سرنگونی سلطنت دست به کار شد و انقلاب کرد و قیام نمود (امام خمینی ۱۳۷۳: ۹؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۳۴).

۹) امکانات مالی: این موضوع رتوریک نیز به وفور در طرد گفتمان سلطنت استبدادی مورد استفاده واقع می‌شود امام خمینی، شاه، خانواده سلطنتی، اقدامات متعدد آنها، قراردادهای خارجی، جشنهای ۲۵۰۰ ساله و ... را عوامل از دست رفتن سرمایه‌های مملکت و صرف داراییهای مملکت معرفی می‌کند و بدبختی محرومین را هم ناشی از ولخرجیهای نظام و عمال آن معرفی می‌کند. لذا به طور منطقی جهت جلوگیری از ولخرجیها که جزء ذات حکومت سلطنتی است در نظر امام، باید حکومت سلطنتی سرنگون و حکومتی اسلامی که در آن خبری از ولخرجی و هدر دادن امکانات مالی نیست جایگزین آن گردد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۰۸-۲۰۷، ج ۳: ۵، ج ۵: ۱۱).

۱۰) واقعیت: یکی از مهم‌ترین استدلال‌ات امام خمینی برای نفی حکومت سلطنتی استفاده از همین موضوع رتوریک است. ایشان استدلال می‌کنند چون وضعیت ایران با زمانی که حکومت رضاخان یا سایر حکومت‌های سلطنتی بر سر کار آمدند متفاوت است و شرایط تغییر کرده است و چون این مردمی که الآن هستند هیچ دخالتی در ظهور یا پذیرش حکومت پهلوی نداشتند، لذا هیچ اجباری ندارند که از حکومت پهلوی و قانون او تبعیت کنند. پس باید این مردم متناسب با واقعیت موجود، حکومت مطلوب و مورد نظر خود را انتخاب نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۹۳).

۱۱) اعداد و شمارش: گفتمان سیاسی امام خمینی، همانند سایر موضوعات رتوریک، از اعداد و ارقام نیز به کرات برای برجسته‌سازی خود و طرد سایر گفتمانها استفاده می‌نماید. به عنوان نمونه، این گفتمانها از اعداد و ارقام برای نشان دادن خسارتها و جنایت‌های رژیم سلطنتی از جمله قتلها، کشتارها، هزینه و غیره ... استفاده می‌نماید و برای طرد گفتمان سوسیالیسم به کرات با استفاده از موضوع رتوریک عدد و رقم طرفداران این گفتمان را عده‌ای قلیل و ناچیز معرفی می‌کند که در مقابل خیل عظیم جمعیتی که خواهان برقراری حکومت اسلامی هستند رقمی به نظر نمی‌آیند. امام

همچنین با استفاده از عدد و رقم اجتماعی - سیاسی بودن اسلام را برجسته می‌نماید (امام خمینی ۱۳۷۳: ۵؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۵۲۳، ۸۶).

**(۱۲) قانون و حق:** گفتمان سیاسی امام خمینی با استفاده از این موضوع رتوریک نیز خود را برجسته و دیگر گفتمانها را طرد می‌نماید. این گفتمان با توجه به اینکه اسلام را تعیین کننده قانون و حق می‌داند، سایر گفتمانها و اسطوره و عناصرشان را مطابق با اسلام نمی‌داند و تنها حکومت مورد نظر اسلام در عصر غیبت را حکومت ولایت فقیه معرفی می‌کند و بدین ترتیب سایر حکومتها را غیرقانونی و باطل می‌شمارد و تنها حکومت ولایت فقیه است که حکومتی قانونی و برحق می‌باشد. لذا به طور خلاصه، بر این اساس چون حکومت ولایت فقیه منطبق بر حق و قانونی است تجویز می‌شود و سایر حکومتها طرد می‌گردند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۸، ۱۴؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۴۲).

**(۱۳) تاریخ:** این گفتمان برای طرد سایر گفتمانها و برجسته‌سازی خود به خوبی و به کرات از این موضوع رتوریکی استفاده می‌کند. امام خمینی با استناد به تاریخ صدر اسلام و حکومت اسلامی پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) نشان می‌دهد که این حکومتها دارای پیامدهای بسیار مثبتی از جمله برقراری عدالت هستند (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۹-۲۰) و با استناد به تاریخ حکومتهای سلطنتی و سوسیالیستی و غیراسلامی دست به برجسته‌سازی مضرات آنها در طول تاریخ می‌زند و از این مباحث نتیجه می‌گیرد که باید از پذیرش تمام حکومتها که پیامدهایی این چنین منفی داشته‌اند خودداری نمود و در عوض باید برای برقراری حکومت ولایت فقیه که همان حکومت اسلامی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) است اقدام نمود (امام خمینی ۱۳۷۳: ۶، ۸؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۶۵، ۴۹۱).

**(۱۴) فرهنگ:** این موضوع رتوریکی نیز برای طرد و برجسته‌سازی نیز به میزان زیادی در گفتمان سیاسی امام خمینی مورد استفاده واقع می‌شود. مطابق با این موضوع رتوریکی امام خمینی جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی می‌داند که در آن باید اصول و قواعد اسلامی پیاده شود و همه چیز مطابق با اسلام باشد و به همین دلیل گفتمانهای دیگر را که مطابق با فرهنگ این جامعه نیستند طرد می‌کند و خواهان پیاده شدن اصول و قواعد اسلامی از جمله حکومت مورد نظر اسلام در عصر غیبت، یعنی ولایت فقیه، است (امام خمینی ۱۳۷۳: ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۰؛ ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۶۵).

**(۱۵) سوء استفاده:** آخرین موضوع رتوریکی سوء استفاده است. از این موضوع رتوریکی این گفتمان برای طرد گفتمان سلطنت استبدادی استفاده فراوانی می‌برد. امام خمینی، با استناد به اینکه شاه و سلطنت از قدرتی که در دست داشتند سوء استفاده نموده و حقوق ملت و قواعد اسلام را

پایمال کرده‌اند، نتیجه می‌گیرند پس باید شاه از سلطنت برکنار شود و سلطنت چون اساسش بر ظلم و ستم و سوء استفاده بنا شده و غیر اسلامی است باید منسوخ گردد و یک حکومت که سوء استفاده نمی‌کند یعنی حکومت ولایت فقیه جانشین آن گردد. امام در اکثر سخنرانیها و مصاحبه‌های خود به سوء استفاده سلاطین و به طور اخص محمدرضا شاه از قدرت، سوء استفاده از لقب «ظل الله» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۵۶) و سوء استفاده از امکانات و منابع کشور اشاراتی دارد. در متونی که به عنوان شاهد برای موضوع رتوریک عدم سودمندی و ضرر، امکانات مادی، عدد و رقم و تاریخ به آنها ارجاع داده شده، غالباً از موضوع رتوریک سوء استفاده برای طرد گفتمان سلطنت نیز استفاده گردیده است.

- گفتمان سیاسی امام خمینی از چه ابزار طرد و برجسته‌سازی غیر زبانی استفاده کرد؟ همان‌گونه که ذکر شد، گفتمان سیاسی امام خمینی گفتمانی فرهنگی بود و غالباً ابزار طرد و برجسته‌سازی آن زبانی بود ولی در عین حال از ابزار غیر زبانی متعددی مثل اعتصابات، تظاهرات، راهپیماییها و حتی گاهی ترور توسط برخی از عوامل این گفتمان برای طرد و برجسته‌سازی نیز استفاده شده است که کتب تاریخ انقلاب ایران مملو از آنهاست (فوران ۱۳۷۷؛ آبراهامیان ۱۳۷۸).

### ج) دسترسی

در دسترس بودن، عبارت است از وجود یک گفتمان در عرصه اجتماعی و قابلیت دسترسی مردم به آن. در دسترس قرار گرفتن گفتمان، نیازمند یکسری عوامل سیاسی، شبکه تولید و توزیع گفتمان و منابع زبانی و غیرزبانی است. در دسترس بودن گفتمان سیاسی امام خمینی را در مقایسه با سایر گفتمانهای موجود در نظم گفتمان، می‌توان با سؤالات زیر سنجید:

- چه گفتمانهایی در دوره مورد نظر (در ایران) در دسترس بودند؟

برجسته‌ترین گفتمانهای در دسترس در دوره مورد نظر که قابل اهمیت هستند، عبارتند از: گفتمان سلطنت استبدادی، گفتمان سیاسی امام خمینی، گفتمان سلطنت مشروطه، گفتمان دموکراسی اسلامی، گفتمان سوسیالیسم اسلامی و گفتمان سوسیالیسم.

- گفتمان سیاسی امام خمینی چگونه در دسترس قرار گرفت یا این گفتمان چگونه توزیع

می‌شد؟

گفتمان سیاسی امام خمینی، به طور منسجم، در حوزه توسط حضرت امام خمینی که پس از آیت‌الله بروجردی به مرجعیت می‌رسد در حوزه نجف به صورت درس در سال ۱۳۴۸ مطرح و در دسترس طلاب قرار می‌گیرد و با تبدیل به کتاب شدن، همچنین به دلیل سلسله‌مراتب حاکم بر روابط بین روحانیون و شبکه منسجم ارتباطی حوزه‌ها و روحانیون به سرعت در دسترس حوزه‌ها و روحانیون و به طور خاص روحانیون ایران نیز قرار می‌گیرد (امام خمینی ۱۳۷۳؛ جعفریان ۱۳۸۳؛ آبراهامیان ۱۳۷۸).

پس از اینکه گفتمان سیاسی امام خمینی، در دسترس روحانیت قرار می‌گیرد، توسط خالق این گفتمان یعنی امام خمینی، روحانیون به عنوان عوامل اصلی این گفتمان که دارای شبکه‌ای سنتی و گسترده در جامعه هستند و سایر عوامل سیاسی این گفتمان از جمله جریانهای سیاسی - مذهبی و برخی از روشنفکران و دانشجویان در دسترس عموم مردم قرار می‌گیرد.

علاوه بر اینکه این گفتمان، به وسیله عوامل خودش در دسترس قرار گرفت توسط نفی گفتمانهای اسلامی (اعم از نفی گفتمان سیاسی امام خمینی و گفتمان سلطنت اسلامی) از جانب گفتمان سلطنت استبدادی و سایر گفتمانها نیز در دسترس مردم قرار گرفت.

- ابزار عاملان سیاسی برای در دسترس قرار دادن گفتمان و کسب اعتبار برای آن در مقایسه با سایر گفتمانها چه و چگونه بود؟

یکی از مسائل مهم برای در دسترس قرار دادن گفتمانها از جمله گفتمان سیاسی امام خمینی، علاوه بر عوامل سیاسی، شبکه‌ها، امکانات، ابزار و تجهیزات و قالبهای در دسترس قرار دادن گفتمان است. گفتمان سیاسی امام خمینی، برای در دسترس قرار دادن خود از شبکه‌ها، امکانات، ابزار و تجهیزات و قالبهای متعدد و ویژه‌ای سود جست که این عناصر غالباً در اختیار سایر گفتمانها نبود یا اگر بود نسبت آنها به آنچه در اختیار گفتمان سیاسی امام خمینی بود بسیار اندک است. اهم این شبکه‌ها، امکانات، ابزار و تجهیزات عبارتند از: شبکه گسترده سنتی روحانیت که با تعداد بیش از یکصد هزار در سراسر کشور گسترده بود، هیأت‌های مذهبی، بقاع و قبور متبرکه، مساجد و حسینیه‌ها که در سراسر کشور پراکنده و در اختیار روحانیون بودند، استقلال مالی روحانیت، مراسمهای عزاداری که اغلب روحانیون آن را اداره می‌کردند، مناسبت‌های مذهبی از جمله اعیاد و شهادتها به طور خاص تاسوعا و عاشورا.



علاوه بر شبکه‌ها، امکانات، ابزار و تجهیزات، قالبهای در دسترس قرارداد گفتمان هم در میزان در دسترس قرار گرفتن یک گفتمان مؤثر است. غالب گفتمانهای رقیب، از جمله سوسیالیسم بیشتر از قالبهای نوشتاری و انتشار کتاب و جزوه که میزان برد اندکی داشتند برای در دسترس قرار دادن گفتمان خود استفاده می‌نمودند ولی گفتمان سیاسی امام خمینی، علاوه بر قالبهای نوشتاری غالباً در قالبهای گفتاری از جمله سخنرانیها و مصاحبه‌ها از تریبونهای مختلفی از جمله مساجد و رادیوهای خارجی (به‌طور خاص فراهم آمدن امکانات مطبوعات و رسانه‌ها برای امام در نوفل لوشاتو) متون و عناصر خود را در دسترس مردم قرار می‌داد. در مجموع، با بررسی این موارد به وضوح می‌توان دریافت که امکانات این گفتمان در مقایسه با سایر گفتمانهای موجود در عرصه گفتمان بیش از سایر گفتمانها بوده است (اخوان مفرد ۱۳۸۱؛ کدی ۱۳۷۷؛ آبراهامیان ۱۳۷۸؛ فوران ۱۳۷۷ و ...).

- میزان در دسترس بودن گفتمان سیاسی امام خمینی در مقایسه با گفتمانهای دیگر چگونه بود؟

با توجه به آنچه گذشت، به وضوح مشخص می‌گردد که میزان در دسترس قرار گرفتن گفتمان سیاسی امام خمینی با توجه به عوامل سیاسی، امکانات و قالبهای آن بیش از سایر گفتمانها بوده است. علاوه بر عوامل سیاسی و منابع به دلیل عدم امکان سرکوب عوامل گفتمان سیاسی امام خمینی و ممانعت از تبلیغات آنها به خاطر تداخل ظاهری آن با گفتمان سلطنت اسلامی و کلیت اسلام (یا عمل در زیر سایه و در پناه امکانات گفتمان سلطنت اسلامی) که حکومت علی‌الظاهر خود را مقید به آن نشان می‌داد و گستردگی این عوامل، فرصت ایجاد شده برای این گفتمان، جهت در دسترس قرار دادن خود، بیش از سایر گفتمانها که به شدت سرکوب می‌شدند، بوده است. در مجموع، این گفتمان به دلیل برتری در عوامل، امکانات، قالبها و فرصتها توانست خود را بیش از سایر گفتمانها در دسترس قرار دهد. علی‌رغم این، کسب اعتبار و هژمونیک شدن این گفتمان خود نیز می‌تواند شاهدی برای بیشتر در دسترس بودن آن باشد (اخوان مفرد ۱۳۸۱؛ کدی ۱۳۷۷؛ آبراهامیان ۱۳۷۸؛ فوران ۱۳۷۷ و ...).

#### د) اعتبار

اعتبار، عبارت است از طرح بندی یک گفتمان منطبق بر خواستها، ذهنیت و آرزوهای اکثریت مردم و قابل فهم بودن آن.

بر اساس نظریه گفتمان، شرط مهم دیگر در دستیابی گفتمان سیاسی امام خمینی به هژمونی، کسب اعتبار است. همان‌گونه که گفته شد، این گفتمان در قیاس با سایر گفتمانها در اثر مبارزات سیاسی، توانست خود را بیشتر در دسترس قرار دهد و اعتبار بیشتری کسب نماید و اسطوره‌های خود را به پنداره‌های جمعی تبدیل کند.

گفتمان سیاسی امام خمینی، پس از در دسترس قرار گرفتن توسط تلاش عاملان سیاسی و به واسطه فرایند طرد و برجسته‌سازی به طریق زبانی و غیرزبانی توانست با تبدیل اسطوره خود به پنداره و همچنین با بهره بردن از زمینه‌سازی سایر گفتمانها در طرد نظام سلطنتی و گفتمان اسلام سنتی و ارائه تفسیری انقلابی از اسلام، اعتبار کسب نماید.

اعتبار عبارت است از: طرح‌بندی یک گفتمان منطبق بر خواستها، ذهنیت و آرزوهای اکثریت مردم به طوری که مردم اسطوره آن گفتمان را خواست و آرزوی خود می‌دانند و عوامل سیاسی، به ویژه رهبری، عناصر متعدد این گفتمان و به طور خاص اسطوره آن را در خواسته‌ها و شعارهای خود بازنمایی می‌کنند. با توجه به چهارچوب نظری و روشی، اعتبار گفتمان سیاسی امام خمینی را می‌توان با سؤالات زیر سنجید:

- خواسته‌ها، آرزوها و ذهنیت اکثریت مردم ایران چه بود؟

برای اینکه بفهمیم خواسته‌ها، آرزوها و ذهنیت‌های یک ملت، به طور خاص یک ملت انقلابی، چیست تنها راه ممکن رجوع به گفتارهای آن ملت است. در انقلاب این گفتارها اغلب در شعارهای انقلاب در راهپیماییها و اعتصابها و تظاهرات مردم در مناسبتهای خاص و به پیروی از افراد خاص بازنمایی می‌شود. لذا برای اینکه بفهمیم خواسته‌ها، آرزوها و ذهنیت مردم ایران در آستانه انقلاب چه بود بهترین راه مراجعه به شعارهای انقلاب و تحلیل این شعارهاست.

با نگاهی به توزیع فراوانی و درصد شعارهای انقلاب می‌بینیم، بیشتر این شعارها، بیانگر حمایت و پذیرش عوامل سیاسی و اسطوره گفتمان سیاسی امام خمینی و منطبق با آن است. مطابق با گفتمان سیاسی امام خمینی که خواهان حذف سلطنت - سلطنت پهلوی و تمام عوامل آن - است بخش اعظمی از شعارهای انقلاب چنین خواستی را منعکس می‌کنند (پناهی ۱۳۸۳: ۲۸۰-۲۷۹).

همچنین با نگاهی توزیع فراوانی شعارهای انقلاب، به خوبی شاهد حمایت بی‌دریغ مردم، از عوامل سیاسی گفتمان سیاسی امام خمینی (امام خمینی و روحانیون) و اعتبار آنها در نزد مردم هستیم (پناهی ۱۳۸۳: ۲۸۵).

همان‌طور که گفته شد، بیشترین شعارهای انقلاب در حمایت از امام خمینی و رهبری و مواضع و اسطوره ایشان از جمله تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، است. در تأیید این مدعا می‌توان به جدول زیر (جدول توزیع شعارهای مربوط به امام خمینی) استناد نمود (پناهی ۱۳۸۳: ۳۱۶).

جدول توزیع شعارهای مربوط به امام خمینی

موضوع	فراوانی	درصد
تأیید و تأکید بر رهبری امام خمینی	۱۷۰	۳۷/۸
تأیید و حمایت از سیاستها و مواضع امام	۹۰	۲۰/۰
تمجید سایر ویژگیهای شخصیت امام خمینی	۱۹۰	۴۲/۲
جمع	۴۵۰	۱۰۰/۰

- با توجه به موارد بالا کدام گفتمان از انطباق بیشتری با خواست مردم برخوردار بود؟  
براساس تحلیل محتوای شعارهای انقلاب می‌بینیم که گفتمان سیاسی امام خمینی با خواست مردم که سرنگونی شاه، رژیم پهلوی و نظام سلطنتی، استقلال، آزادی، رهبری امام خمینی و روحانیت و استقرار حکومت جمهوری اسلامی است، دارای هماهنگی بیشتری نسبت به سایر گفتمانهاست. پس، بدین ترتیب، گفتمان سیاسی امام خمینی به دلیل تطابق با خواست مردم علاوه بر در دسترس بودن دارای اعتبار نیز می‌باشد.

### ۳-۵) هژمونیک شدن

به طور خلاصه هژمونی عبارت است از ائتلاف سایر گفتمانهای موجود با یک گفتمان، پس از اقبال اکثریت مردم نسبت به آن گفتمان. نتیجه این امر همان‌طور که در ایران اتفاق افتاد، می‌تواند تبدیل شدن آن به یک گفتمان مسلط باشد. معیار و ملاک تجربی هژمونیک شدن یک گفتمان پس از حمایت اکثریت مردم از هویتها، معانی، عاملان و اسطوره‌های آن گفتمان که در شعارها، کردارها و راهپیماییها و گردهماییهای مختلف تجلی پیدا می‌کند پذیرفتن برتری آن، توسط سایر گفتمانها و ائتلاف با آن گفتمان است.

گفتمان سیاسی امام خمینی، پس از آن که توانست اسطوره خود را به پنداره تبدیل کند، با استناد به متون تولید شده توسط گفتمانهای دیگر به گفتمان برتر تبدیل شد که سایر گفتمانها برتری آن را پذیرفتند و اعلام ائتلاف و همراهی با آن گفتمان کردند. به این صورت این گفتمان

به هژمونی دست یافت. هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی را در انقلاب اسلامی ایران می‌توان در پاسخ به سؤالات زیر مشاهده نمود:

- چه گفتمانی توانست هژمونیک شود و گفتمانهای دیگر را به حاشیه براند؟

گفتمان سیاسی امام خمینی با استفاده از استراتژیهای زبانی و موضوعات رتوریک متعددی پس از کسب اعتبار در ائتلاف با گفتمانهای دیگر توانست هژمونیک شود.

- گفتمان هژمونیک، در هژمونیک شدن خود از اتحاد با چه گفتمانهایی بهره برد؟

پس از کسب اعتبار، گفتمان سیاسی امام خمینی، تمام گفتمانهای مخالف و مقاومت از جمله گفتمان دموکراسی اسلامی، گفتمان سلطنت اسلامی، گفتمان سلطنت مشروطه و گفتمان سوسیالیسم (غیراسلامی و اسلامی) در مقابل با گفتمان غالب (سلطنت استبدادی) اعلام همکاری و ائتلاف با گفتمان سیاسی امام خمینی نمودند و مرکزیت و برتری آن را پذیرفتند. به عبارت دیگر، تمام گفتمانهای مقاومت به این اجماع رسیدند که گفتمان سیاسی امام خمینی اعتبار کسب نموده است و با مرکزیت و ائتلاف با آن است که می‌توان گفتمان غالب را سرنگون ساخت. با این اجماع گفتمانهای متعدد بر حول گفتمان سیاسی امام خمینی است که این گفتمان پس از کسب اعتبار، هژمونیک و سپس غالب می‌گردد (فوران ۱۳۷۷؛ آبراهامیان ۱۳۷۸).<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

در این مقال، با استفاده از چهارچوب نظری و روشی تحلیل گفتمان سعی شده است تا چرایی هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی در آستانه انقلاب اسلامی ایران، مورد بررسی قرار گیرد. با به کارگیری تعریفی مناسب از گفتمان و ملاک قرار دادن اسطوره سیاسی گفتمانهای موجود در نزد گفتمان شناسایی شدند. این گفتمانها عبارتند از: گفتمان سلطنت استبدادی، گفتمان سوسیالیسم، گفتمان سوسیالیسم اسلامی، گفتمان دموکراسی هدایت شده و گفتمان سلطنت مشروطه. پس از شناسایی این گفتمانها در راستای فرضیه تحقیق عوامل سیاسی گفتمانهای سیاسی مختلف، میزان در دسترسی و اعتبار هر کدام مورد مقایسه واقع شد و نتیجه گرفته شد که گفتمان سیاسی امام خمینی دارای عوامل سیاسی بیشتر، فعال‌تر و منسجم‌تر و میزان در دسترسی و اعتبار

۱. برای مطالعه بیشتر به متون اصلی این گفتمان و اعلامیه‌های آنها در حمایت از امام خمینی و مواضع آنها در آستانه پیروزی انقلاب مراجعه کنید.

بیشتر بود. همچنین با استناد به متون اصلی امام خمینی (کتاب *ولایت فقیه و صحیفه امام* جلد ۱ تا ۶) مشخص گردید که نظر امام خمینی برای طرد و برجسته سازی به کرات با ۱۵ موضوع رتوریک مطروحه روٹ وداک انطباق دارد و در مجموع این گفتمان به دلیل نقش عوامل سیاسی، به کارگیری رویه های طرد و برجسته سازی و در دسترسی و اعتبار توانست هژمونیک شود و گفتمانهای دیگر و موجود در نظم گفتمان را به حاشیه براند.

با بررسی آنچه در این مقاله بیان شد و در بالا به صورت خیلی خلاصه جمع بندی شد، به نحو عنوان گونه نتایج زیر حاصل می شود:

- هژمونیک شدن گفتمان سیاسی امام خمینی ماحصل تلاش عاملان سیاسی، فرایند طرد و برجسته سازی و در دسترسی و اعتبار بیشتر آن نسبت به سایر گفتمانهاست.
- عاملان سیاسی گفتمان سیاسی امام خمینی دارای انسجام، گستره و امکانات و رهبری قدرتمندتری نسبت به سایر گفتمانها بودند.
- در دسترس قرار دادن گفتمان سیاسی امام خمینی و کسب اعتبار برای آن شبکه های سنتی - مذهبی، جایگاه، سلسله مراتب و امکانات آنها نقش مهمی را ایفا کرد.

#### منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۸) *ایران بین دو انقلاب (درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی معاصر)*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- اخوان مفرد، حمیدرضا. (۱۳۸۱) *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۳) *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ چهارم.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۳) *جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳) *جریانات و سازمانهای مذهبی - سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوران، جان. (۱۳۷۷) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
- فوکو، میشل. (۱۳۷۸) *نظم گفتار*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آگه.

- قجری، حسینعلی. (۱۳۸۷) *تحلیل گفتمان تکوین بنیادگرایی شیعی و هژمونیک شدن آن*، رساله دکتر، رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما علیرضا شجاعی زند.
- کدی، آر. نیکی. (۱۳۷۷) «مطالعه تطبیقی انقلابهای ایران»، ترجمه فردین قریشی، *فصلنامه متین*، ش اول.
- Jorgensen Marianne and Louise Phillips. (2002) *Discourse Analysis as Theory and Method*, SAGE Publications, London: Thousand Oaks New Dehli , First Published.
- Keddie, Nikki, R. (1981) *Religion, Society and Revolution in Modern Iran, Modern Iran: The Dialectic of Continuity and Change*, edited by M.E.Bonine and N.R. Keddie. New York: State University of New York Press.
- Laclau, A. (1993) "Power and Reresentation", in M, Poster (ed), *Politics, Theory and Contemporary Culture*, New York: Columbia University Press.
- Luclau, E. and Moaffe. (1985) *Hegmony and Sociallist Strategy: Towards a Radical Discourse Polits*, London: verso.
- Norval, Aletta. J. (2000) "Trajectories of Future Discourse Theory", in Howarth, David, Norval, Aletta J. and Stavrakakis, Yannis (ed) (2000), *Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)*: Manchester and New York: Manchester University Press, First publishes.
- Wodak, Ruth. (2001) "The Discourse-Historical Approach", in Wodak, Ruth & Meyer, Micheal, *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publicatins, London, Thousand, New Dehli, First Published, PP: 63- 94.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.